

به نام خدا

بررسی وضعیت نشر کتاب در ایران ۱. مؤلف

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۴.....	مؤلف
۶.....	۱. مؤلف و نشر
۱۶.....	۲. مؤلف و تعهدات
۳۲.....	۳. مؤلف و خاستگاه اجتماعی
۳۳.....	۴. مؤلف و مخاطب
۳۴.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۷.....	پیوست
۴۷.....	منابع و مآخذ

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۱۰۲۱

شهریورماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات فرهنگی



بررسی وضعیت نشر کتاب در ایران ۱. مؤلف

چکیده

فرایند انتشار، عرضه و مطالعه کتاب، فرایندی پیچیده و چند مرحله‌ای است که دستکم با چهار بُعد کلی در ارتباط است: «مؤلف»، «چاپ و نشر»، «شبکه توزیع و فروش» و «مخاطب». برای ارزیابی وضعیت کتاب ابتدا باید هر کدام از این ابعاد به دقت بررسی شوند. اولین بُعد فرایند نشر کتاب، مربوط به مؤلف است. مؤلف خود با چهار عامل در ارتباط است: «ناشر، تعهدات، خاستگاه اجتماعی و مخاطب» این گزارش وضعیت مؤلفان را در ارتباط با چهار عامل مذکور بررسی می‌نماید.

مقدمه

به باور بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه چاپ و نشر وضعیت نشر کتاب در ایران مناسب و مطلوب نیست. تا جایی که برخی صنعت نشر کتاب را بحران‌زده^۱ می‌دانند. فارغ از اینکه این نظرات تا چه حد با واقعیت این صنعت همخوانی دارد در

۱. بحرانی بودن این صنعت با استناد به دلایل زیر بیان می‌شود:

- پایین بودن سرانه مطالعه در ایران (۷ دقیقه در روز) در مقایسه با متوسط سرانه مطالعه جهانی (۴۵ دقیقه در روز).

- طولانی بودن پروسه تولید کتاب.

- نظرات کارشناسان (آذرنگ، ۱۳۷۸، ص ۸ و آذرنگ، ۱۳۸۲، ص ۷۴، پورجوادی، ۱۳۸۱، صص ۸۵ و ۱۷۶).

این پژوهش «وضعیت نشر کتاب در ایران» را بررسی خواهیم کرد.

«کتاب» از این حیث که محصول نهایی و تعریف شده یکسری منابع مشخص است، یک کالا و نتیجه یک فرایند تولیدی است، اما محصول تولیدشده باید از طریق شبکه‌های توزیع، پخش گردد و توسط فروشگاه‌ها عرضه، مخاطب آن را انتخاب و در نهایت خواننده (مصرف) شود. مرحله اخیر - بعد از تولید - فرایندی خدماتی محسوب می‌شود. بنابراین فرایند نشر کتاب به دو فرایند کوچک‌تر تولید و خدمات قابل تقسیم است.

جدول ۱. فرایند تولید کتاب

عوامل	فعالیت‌ها و وظایف
مؤلف	تألیف
مؤلف - ناشر	گفتگو، توافق، عقد قرارداد
ناشر	آماده‌سازی برای چاپ
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	ثبت اثر و صدور مجوز
ناشر - چاپگر	طراحی و تولید

جدول ۲. فرایند خدمات کتاب

عوامل	فعالیت‌ها و وظایف
توزیع‌کننده و فروشنده	توزیع و فروش
مخاطب	انتخاب و خواننده شدن



همان طور که دیده می‌شود، عوامل نشر کتاب در ۶ بخش مشخص شده که به دلیل نقش گسترده و محوری ناشر در فعالیت‌ها و وظایفی، نظیر گفتگو، توافق، عقد قرارداد، آماده‌سازی برای چاپ، طراحی و تولید و همچنین مراحل ثبت اثر و صدور مجوز، این دسته از فعالیت‌ها را ذیل عنوان چاپ و نشر دسته‌بندی می‌کنیم. بنابراین مجموعه عوامل، وظایف و فعالیت‌های مربوط به نشر کتاب را می‌توان به اختصار به چهار بخش تقسیم کرد:

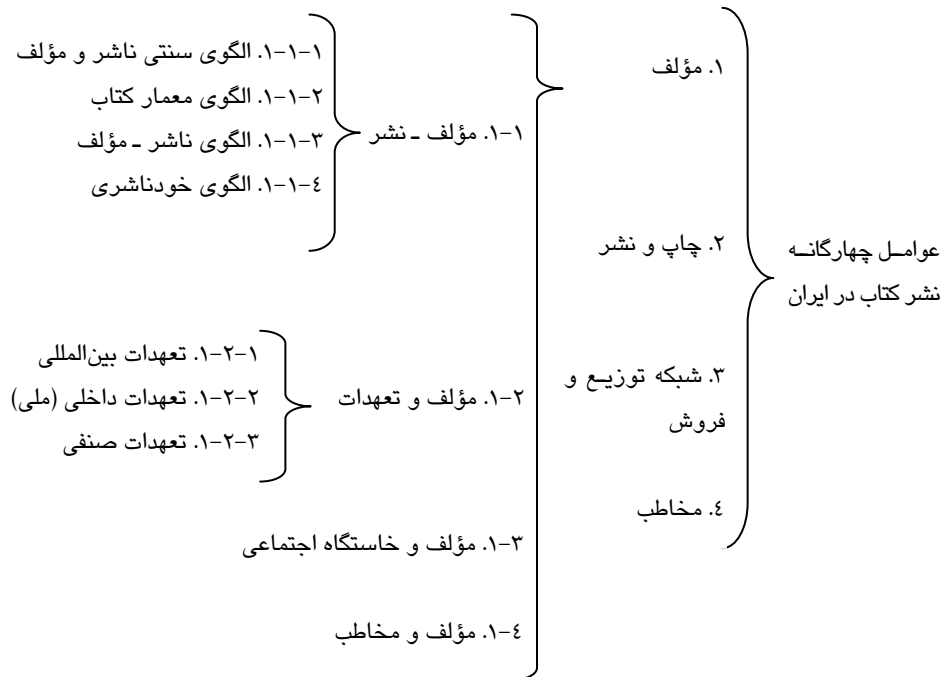
۱. مؤلف،
۲. چاپ و نشر،
۳. شبکه توزیع فروش،
۴. مخاطب.

برای بررسی و ارزیابی فرایند نشر کتاب در ایران از سه رویکرد به شکل توأمان باید بهره برد: رویکرد توصیفی، رویکرد تبیینی و رویکرد تطبیقی. در نتیجه با توصیفی از وضع موجود نشر کتاب، جستجوی علل شکل‌گیری چنین وضعیتی و مقایسه آن با وضعیت نشر در سایر کشورها سعی خواهیم کرد ابعاد، مسائل و مشکلات نشر کتاب در این را مشخص کنیم و راهکارهای مناسبی برای آن بیابیم. بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این خواهد بود:

- با توجه به عوامل چهارگانه نشر کتاب پرسش اصلی حوزه کتاب به دو پرسش کلی تجزیه خواهد شد که اولین آنها، موضوع این گزارش است:
- مسائل و مشکلات تألیف کتاب و مؤلفین در ایران کدامند؟
 - مسائل و مشکلات صنعت نشر کتاب در ایران کدامند؟

نمودار ۱ شمایی کلی از ابعاد مسائل نشر کتاب در ایران را با تأکید بر حوزه تألیف و مؤلف ارائه می‌دهد.

نمودار ۱. عوامل مؤثر بر تولید تا مصرف کتاب در ایران



مؤلف

در دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی مؤلف و پدیدآور چنین تعریف شده است: «شخص، سازمان یا هیئتی است که مسئولیت مستقیم پدید آوردن آن اثر را داشته



باشد، پس شخصی که آثار چند نویسنده را برمی‌گزیند و گردهم می‌آورد (گردآورنده یا ویرایشگر) ممکن است پدیدآور آن مجموعه نامیده شود. همچنین می‌توان سازمانی را که به نام یا اجازه آن اثری منتشر می‌شود پدیدآور آن اثر دانست و به اختصار شخص - حقیقی یا حقوقی - که کتاب یا مقاله‌ای را نوشته است مؤلف آن محسوب می‌شود»^۱.

خلق یک اثر پدیده‌ای دو بخشی است:

بخش اول: فرایندی فردی و مربوط به نویسنده است. دنیای شخصی او محسوب شده و در قلمرو خصوصی‌اش قرار دارد.

نویسنده در این دنیا به عنوان انسانی آزاد خودش تصمیم می‌گیرد چه چیزی را بنویسد و یا ننویسد و چه موضوعی را چگونه بنویسد، تأکید اصلی در این بخش بر توانایی‌ها و خلاقیت‌ها و نوآوری‌های فردی استوار است. در این بخش با مؤلف و به‌عنوان یک شخصیت حقیقی روبرو هستیم که خودش هم مانند دیگران فردی از جامعه پیرامونش است.

اما یک اثر مکتوب تنها در یک فضای انتزاعی شکل نمی‌گیرد، بلکه از نخستین جرقه‌های خلاق و شکل‌گیری ایده‌های ناب در ذهن خالق آن اثر، تا وقتی مکتوب شود و پیام خود را به مخاطب برساند نیازمند تعامل با دیگران است. در طی این مسیر، نویسنده دنیای جدیدی را تجربه می‌کند و شخصیت حقوقی پیدا می‌کند. میثاق‌های بین‌المللی و قوانین داخلی او را حمایت می‌کنند و او هم در قبال دیگران مسئولیت پیدا می‌کند. در قبال مخاطب پاسخگو و با ناشر وارد مذاکره می‌شود و با بخشی از افراد،

سازمان و گروه‌های اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند.

نویسنده در این مرحله وارد پروسه‌ای جمعی شده و عنوان «مؤلف» یک اثر را پیدا می‌کند و به‌طور مرسوم با چهار مقوله در ارتباط قرار می‌گیرد که برای اینکه نتیجه زحمات‌اش در خلق اثر به نتیجه برسد باید با آنها وارد تعاملی ثمربخش گردد:

- نشر،

- تعهدات،

- خاستگاه اجتماعی،

- مخاطب.

۱. مؤلف و نشر

هر مؤلفی برای اینکه بتواند اثری که خلق کرده را عرضه کند ناگزیر باید آن را به صورتی مشخص و تعریف شده به مخاطب ارائه کند. این ناشر است که می‌تواند اثر تألیفی را به قالبی قابل عرضه به مخاطب درآورد. لذا اولین مقوله‌ای که مؤلف با آن درگیر می‌شود حوزه نشر است. نوع ارتباط مؤلف و حوزه نشر در خصوص اثر از ع‌الگوی مشخص و غالب تبعیت می‌کند:

الف) الگوی سنتی ارتباط مؤلف و ناشر

در این الگو ناشران دوگونه رفتار با مؤلفان دارند:

اول ناشرانی که تابع سیاست‌های تعریف شده مؤسسه خود و با برنامه مشخص با مؤلف مواجه می‌شوند و در قبال او و اثرش فعالانه عمل می‌کنند، در این‌صورت این



مؤلف است که باید خود را با ناشر و سیاست‌های مؤسسه نشر او هماهنگ و همگام سازد. در این صورت مؤلف باید به الزامات سازمانی ناشر تن دردهد تا اثرش چاپ شود، زیرا این ناشر است که تصمیم می‌گیرد چه کتابی را منتشر و چه کتابی را منتشر نکند. در بسیاری از مواقع این خود ناشر است که اقدام به سفارش اثر می‌کند و آن را برای نشر آماده می‌سازد.

دوم ناشرانی که به هر دلیلی - از جمله اعتبار و سابقه کاری مؤلف - تابع مؤلفان و آثار آنها هستند. در اینجا نقش مؤلف پررنگ‌تر و نظرات و دیدگاهش درخصوص چگونگی نشر کتاب تعیین‌کننده‌تر است.

چگونگی آشنایی و برقراری ارتباط میان مؤلف و ناشر و نقطه آغازین آن معمولاً تابع الگوهای فرهنگی و اجتماعی رایج است. مستقیم و بی‌واسطه و یا غیرمستقیم و با واسطه؛ «در ایران آشنایی فردی و مناسبات شخصی و دوستانه نقش بسیار عمده‌ای در روابط کار دارد، کسانی هستند که نه واسطه‌اند نه از بابت کاری که می‌کنند مزدی می‌گیرند، اما در برقراری رشته‌های ارتباط میان ناشران و پدیدآورندگان وقت صرف می‌کنند و نقش مهمی دارند».

ناشران فعال از راه‌های مختلف، مثلاً شرکت در میهمانی‌ها، مجامع علمی و فرهنگی، دعوت از اهل قلم، دنبال کردن دقیق انتشار کتاب‌ها و مقالات، تماس با محافل دانشگاهی و پژوهشی، استفاده از شبکه‌های خویشاوندی و ... دامنه آشنایی‌ها و دوستی‌های خود را گسترش می‌دهند. طبیعی است که دست ناشر فعال در یافتن و انتخاب پدیدآورنده مناسب، بازتر است.

پس از آنکه ناشر و پدیدآورنده بر سر کتاب توافق کردند، چه کتاب آماده باشد

و چه نباشد و چه نوشته تحویل شده باشد و چه نشده باشد قرارداد کتبی تحت عنوان قرارداد نشر میان آنها عقد می‌شود.^۱

• قرارداد نشر

قرارداد نشر یک موافقتنامه حقوقی بین ناشر و مؤلف (یا نماینده مؤلف) است که براساس آن مؤلف به ناشر اجازه می‌دهد حقوق نشر اثر او را (برای همیشه یا مدتی محدود) در مقابل پرداخت مبلغی تحت عنوان «حق التألیف» مشخص، منتشر سازد. در قراردادهای نشر، ناشر، تحت شرایط خاصی، امتیاز انتشار کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. این شرایط عبارتند از:

- پرداخت مبلغی به مؤلف با در نظر گرفتن سهمی برای مؤلف از فروش کتاب،
 - تعریفی از بازارهایی که ناشر در آن می‌تواند کتاب را به فروش برساند،
 - تعریف «حقوق ناشر» در اعطای حق انتشار کتاب به ناشران دیگر.
- از طرف دیگر مؤلف نیز تضمین می‌دهد که کتاب اصل است (نسخه‌برداری نشده است) و به خود او تعلق دارد و کلیه امتیازات آن در اختیار خود اوست.
- پس از عقد قرارداد، اگر مؤلف به تعهداتش عمل کرده باشد وظایف ناشر آغاز می‌شود و در غیر این صورت پدیدآورنده اثر را، بنا به تعهدات قرارداد، تکمیل و سپس به ناشر تحویل می‌دهد.

ب) الگوی معماران کتاب

معماران کتاب بعضی از ناشران فعال هستند که مدیریت تألیف را برعهده می‌گیرند و



نقش محوری و تعیین‌کننده‌تری در پدید آمدن کتاب دارند. «در میان ناشران فعال نشرانی هستند که از همکاری ویراستارانی کارآزموده و مسلط برخوردارند. خود صاحب نظر و سلیقه و رویداد آفرینند. فکر، اندیشه، ابتکار و هدف دارند. برای آینده و تحولات فکری آینده برنامه می‌ریزند. از این رو با پیشنهاد به سراغ پدیدآورنده می‌روند، تعهد مالی می‌دهند و مخاطره می‌کنند و برای اجرای پیشنهادشان دانش و تجربیات خود را در خدمت پدیدآورنده و فرایند پدیدآوردن او قرار می‌دهند. نشرانی که دست به چنین کاری می‌زنند **معمار کتاب‌اند** و با کتاب همان کاری را می‌کنند که معماران و مهندسان با بناها. **معماری کتاب** ایجاد فضای متناسب با موضوع و تسهیل خواندن برای خواننده است. همان‌گونه که معماران ساختمانی یا شهرسازان برای عملکردها، اجرای وظایف و منظوره‌های مختلف، فضاهای متناسب و دسترسی‌های لازم را پدید می‌آورند.

معماری کتاب به‌ویژه پس از پیشرفت تکنولوژی رسانه‌های دیداری، ارتباطی اطلاعاتی و کاربرد امکانات کامپیوتری وارد مرحله جدیدی شده است.

معمار کتاب الزاماً ویراستار کتاب نیست، اما ویراستاران کارآزموده، باسلیقه و متخصص و جامع‌الاطراف بیش از دیگران برای معماری کتاب صلاحیت دارند.

گاه ناشر ویراستار آزموده‌ای را به همکاری با پدیدآورنده می‌گمارد، این‌گونه ویراستاران مسئولیت نظارت بر مراحل پدید آوردن را برعهده می‌گیرند و دوش به دوش او پیش می‌روند با او همفکری و همکاری می‌کنند و حاصل تجربیات سالیان خود را در تکوین و انتشار کتاب‌های بسیار در اختیار او می‌گذارند. این نقش ویراستار خلاقانه‌ترین جنبه حرفه اوست.

ویراستارانی به این نقش دست می‌یابند که خود پدیدآورنده و صاحب قلم و نیز صاحب رأی و ذوق و سلیقه، مخاطب‌شناس، روش‌دان و به فنون وظایف کار کاملاً مسلط باشند. پدیدآورندگان در شرایطی ویراستاران را به چنین همکاری و مسئولیتی می‌پذیرند که به آنها و کارشان اعتماد و عقیده داشته باشند.

بسیاری از کتاب‌های مرجع که در صفحات حقوق، شناسنامه و بیش از متن آنها نام ویراستاران بیش از پدیدآورندگان آورده می‌شود، به همین روشی که گفتیم معماری و مهندسی شده‌اند. ناشری که بتواند اثر را درست معماری و مهندسی کند، در کار خود به مرحله کمال فنی و حرفه‌ای دست یافته است.^۱

ج) الگوی ناشر - مؤلف

گاهی مؤلف با سرمایه شخصی اقدام به نشر اثر خود می‌کند و بانی انتشار اثرش می‌شود، هزینه‌های آن را به‌عهده می‌گیرد و کارهایی را که برای نشر لازم است انجام می‌دهد. بدون آنکه ضرورتاً با فرایند نشر آشنایی داشته باشد در این شیوه مؤلف نقش مدیریت نشر اثر را برعهده می‌گیرد و به دلیل برخورداری از دو فاکتور اساسی «صاحب اثر بودن» و «سرمایه مالی» نقش برجسته‌تری در مدیر عوامل تولید کتاب - از جمله ناشر و چاپگر - ایفا می‌کند. این روش مجموعه‌ای از مزایا را به همراه دارد:

- حذف و کاهش برخی از هزینه‌های چاپ و نشر،

- کاهش هزینه‌های تمام شده و در نتیجه ارزان‌تر شدن قیمت پشت جلد،

- کوتاه‌تر شدن زمان آماده‌سازی و تولید فنی - چاپی،

- برطرف شدن مشکلات مربوط به قرارداد نشر.



د) الگوی «خودناشری» یا «نشر رومیزی»^۱

«پدیده‌ای است نو در نشر که بر پایه برخی برآوردها، بزرگ‌ترین رویداد نشر کتاب خواهد بود». خودناشری یا نشر رومیزی تحولی اطلاعاتی، رایانه‌ای و الکترونیک است که سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای دو واحد گسترده چاپ و انتشارات را کوچک و روی یک میز کار جمع کرده است. با امکانات نشر رومیزی می‌توان اثری را نوشت، اطلاعات آن را با منابع اطلاعاتی کنترل کرد، از صحت املائی کلمات اطمینان یافت، متن را صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی کرد، تصویرها و نمودارها را حتی چندرنگ طراحی نمود، نمونه گرفت، تکثیر کرد و همه این کارها را حتی در اتاقی کوچک، روی یک میز، بدون رفت‌وآمد و بدون ایجاد هیچ‌گونه آلودگی انجام داد.^۲

• برخی ویژگی‌های این پدیده

- برخلاف نشر الکترونیکی که برون‌داد آن الکترونیکی است، برون‌داد نشر رومیزی می‌تواند محصولات چاپی سنتی مانند کتاب و مجله هم باشد.
- شکسته شدن انحصار «چاپ و نشر» که تا به حال در دست ناشران سنتی بوده است،
- کوتاه شدن فرایند چاپ و نشر کتاب.
- آنچه در این بخش تا به حال اشاره شده توصیفی اجمالی از وضعیت موجود در بخش مؤلف - نشر بود.

1. Desktop publishing

۱-۱. مسائل و مشکلات حوزه مؤلف و نشر

طبیعتاً از میان ۴ الگوی معرفی شده، الگوی معمار کتاب کمترین آسیب‌ها و مشکلات را به همراه دارد، زیرا این الگو یکی از نقاط قوت نشر کتاب و نشان بلوغ و اوج حرفه‌ای شدن یک ناشر است. بنابراین مسائل و مشکلات مؤلف - نشر در ۳ الگوی دیگر بیشتر قابل پیگیری است:

- مسائل و مشکلات الگوی سنتی ناشر و مؤلف کدام هستند؟
- مسائل و مشکلات الگوی ناشر - مؤلف کدام هستند؟
- مسائل و مشکلات خودناشری کدام هستند؟

۱-۱-۱. «عدم رعایت حقوق یکسان برای تمام نویسندگان و مترجمین از طرف ناشران»

مهمترین دغدغه و مسئله الگوی سنتی ناشر و مؤلف است. در مواردی که ناشر با مؤلفین سرشناس و معتبر سروکار دارد، تکلیف قرارداد و نحوه عقد آن روشن است! مشکل در اینجا به نحوه عقد قرارداد با مؤلفین عمدتاً تازه‌کار، بعضاً غیرحرفه‌ای و فاقد شرایط مورد نظر ناشران است.

قراردادهای میان ناشر و مؤلف معمولاً تابع یک الگوی واحد یکسان نیست و در تنظیم آن یک قالب مشخص وجود ندارد و ناشران با توجه به ویژگی‌های کتاب، سابقه و اعتبار مؤلف، فضای کسب‌وکار و سیاست‌های مؤسسه خود شیوه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند.

• ویژگی‌های این نوع قراردادها

- عدم تبعیت از یک الگوی مشخص (یا الگوهای مورد توافق طرفین)،



- تنظیم آن به شکلی که ضررهای احتمالی چاپ و نشر اثر معمولاً متوجه مؤلف و مترجم شود.

- اخذ ضمانت‌های کافی از مؤلف در خصوص اثر چاپی.

در این شیوه بسیاری از ناشران به دنبال عقد قرارداد برای انتشار آثاری هستند که ضمانت فروش بالایی داشته باشند. به همین دلیل تعداد قابل توجهی از آثار ارزشمند و فاخر برای انتشار، نیازمند تهیه ضمانت‌هایی هستند که در مواردی یافتن آنها برای مؤلفین دشوار است.

• استدلال ناشران برای حمایت از قراردادها

ناشران معتقدند به دلیل برعهده گرفتن هزینه‌های چاپ و نشر یک اثر و صرف سرمایه‌های مادی برای آن تنظیم قراردادهای اینچنینی طبیعی است، زیرا در صورت عدم موفقیت یک اثر هیچ نهاد یا سازمانی نمی‌تواند ضررهای احتمالی را پوشش دهد. به‌علاوه آنکه شبکه توزیع و فروش هم سیاست یکسانی را اعمال نمی‌کند و هر کتابی را جهت ورود به چرخه توزیع و فروش نمی‌پذیرد. با توجه به شرایط و دلایل ذکر شده ناشران خود را در برخورداری از امتیازات بیشتر در این سرمایه‌گذاری محق می‌دانند. از طرفی مؤلفان هم حاصل زحمات چندساله خود را برای عرضه به ناشر می‌سپارند و حق‌التألیف را به شکلی اقساطی، به صورت مشروط و با دادن ضمانت دریافت می‌کنند.

۱-۱-۲. مسائل مربوط به حق‌التألیف

از بندهای مهم و اساسی قراردادهای نشر بند مربوط به حق‌التألیف و چگونگی دریافت و پرداخت آن از سوی طرفین است. بررسی نقش حق‌التألیف به دلیل اهمیت و

جایگاهی که در رابطه بین مؤلف و ناشر دارد و منشأ بسیاری از مسائل و مشکلات و آسیب‌های این بخش است، اهمیت فراوان دارد. «حق‌التألیف یا حق‌التحریر از اجزای حقوق پدیدآورنده (شامل حق تألیف، حق ترجمه، حق ویراستاری، حق تصویر، حق طراحی و...) است و عبارت از وجه یا جوهری است که ناشر طبق قرارداد فی‌مابین، در ازای دریافت حقوق نشر اثر (برای همیشه یا مدتی محدود) به مؤلف آن می‌پردازد»^۱. حق‌التألیف به دو شکل پرداخت می‌شود:

- **حق‌التألیف مقطوع:** این شیوه وقتی رخ می‌دهد که ناشر و مؤلف توافق کرده باشند وجه مورد نظر را یکجا برای یک یا چند نوبت چاپ اثر پرداخت شود مقدار حق‌التألیف بسته به توافق قبلی طرفین تفاوت می‌کند. این نوع حق‌التألیف در برآورد هزینه‌های نشر از هزینه‌های ثابت محسوب می‌شود، یعنی چنانچه اثری در یک نسخه یا در یک صد هزار نسخه منتشر شود تفاوتی در حق‌التألیف پرداختی ندارد.

- **حق‌التألیف درصدی:** مبنای محاسبه آن براساس پرداخت بخشی از بهای شمارگان در هر نوبت چاپ می‌باشد.

درصد آن معمولاً بین ۱۰ تا ۱۵ درصد به ندرت ۲۰ درصد بهای تک‌فروشی مجموع نسخه‌های منتشر شده می‌باشد. تعیین این درصد و دیگر شرایط قرارداد، امری توافقی است و بستگی به قدرت چانه‌زنی طرفین دارد. ناشران دولتی که تابع ضوابط خاصی برای کار خود هستند انعطاف کمتری نسبت به ناشران بخش خصوصی در تعیین میزان حق‌التألیف دارند.

نحوه محاسبه و پرداخت حق‌التألیف درصدی در ایران با اروپا و آمریکا دو



تفاوت عمده دارد:

اول ناشران اروپا و آمریکا معمولاً سهمی از درآمد خود را از فروش کتاب به عنوان حق التألیف درصدی به صاحبان آثار می‌پردازد. این سهم در آغاز و در هزار نسخه اول بیشتر از ۶ تا ۸ درصد نیست، اما به تدریج با افزایش فروش کتاب بالا می‌رود. از سوی دیگر اگر کتابی بیش از ۱۵۰۰ نسخه از ۳۰۰۰ نسخه چاپ اول نفروشد، ناشر فقط حق التألیف همان تعداد نسخه‌های فروخته شده را به مؤلف می‌پردازد و نسخه‌های باقیمانده را بدون پرداخت حق التألیف حراج خواهد کرد. درحالی که در ایران حق التألیف درصدی بر مبنای کل بهای شمارگان در هر نوبت چاپ و طبق فرمول زیر محاسبه و پرداخت می‌گردد.

$$\text{درصد توافقی} \times \text{شمارگان} \times \text{بهای کتاب} = \frac{\text{حق التألیف}}{100}$$

دوم ناشران اروپا و آمریکا هنگام عقد قرارداد نشر با مؤلف مقدار پیش‌پرداخت حق التألیف آتی را طوری تعیین و پرداخت می‌کنند که مؤلف بتواند به کمک آن چند ماه تا یک سال، بدون دغدغه معاش، به صورت تمام‌وقت درباره دست‌نوشته‌اش کار کند. در ایران، ناشران حداکثر مبلغی که به مؤلفان بعد از عقد قرارداد می‌پردازند یک‌پنجم یا حداکثر یک‌چهارم حق التألیف برآورده شده برای چاپ اول کتاب است.

۱-۲-۱-۱. در الگوی ناشر-مؤلف، مؤلفین با برخورداری از عامل تعیین‌کننده «منابع مالی» جهت چاپ و انتشار آثار خود، عملاً مدیریت نشر را برعهده می‌گیرند، هرچند

تخصص‌های لازم در زمینه نشر را ندارند.

ورود اینچنینی مؤلف به حوزه نشر می‌تواند دو آسیب کلی را متوجه این حوزه کند:

اول، مخدوش شدن اصل تقسیم وظایف، براساس تخصص افراد.

دوم، افزایش احتمال انتشار آثار فاقد استانداردهای لازم و بعضاً سخیف.

۱-۲-۱-۲. در الگوی «خودناشری» با وجود دارا بودن کارکردهای مثبت، به دلیل خلأ قانونی در مورد این شیوه امکان نظارت مؤثر بر چاپ و نشر آثار تا حد زیادی وجود ندارد.

۲. مؤلف و تعهدات

بین مؤلف به‌عنوان شخصیت حقوقی و جهان پیرامون سه نوع تعهد^۱ و میثاق برقرار است. این تعهدات طرفینی است و هر دو طرف متعهد به رعایت آن هستند.

الف) تعهدات بین‌المللی،

ب) تعهدات ملی،

ج) تعهدات صنفی.

الف) تعهدات بین‌المللی

اکثر کشورها خود را در قبال آثار فکری و آفریده‌های خلاقانه و تراوشات ذهنی نویسندگان و مؤلفین مسئول و متعهد می‌دانند.

۱. تعهد عبارت است از اینکه شخصی به موجب قرارداد یا به موجب قانون و بدون قرارداد و یا به علت مخالفت با قانون مکلف به انتقال مال یا انجام دادن عمل و یا ترک فعل معین باشد (پورممتاز، ۱۳۷۷، ص ۷۰۵).



اصل احترام و حمایت از حقوق ناشی از خلق یک اثر توسط مؤلف در تمامی جوامع از اصولی عقلانی محسوب می‌شود که برای صیانت از نوآوری و خلاقیت ضروری است و لزوم رعایت آن در قانون بسیاری از کشورها تصریح شده است.

این حمایت‌ها با هدف کمک به روند روبه رشد خلاقیت‌های ذهنی بشری صورت می‌گیرد و رهاسازی قانونمند و دسترسی به آنها با هدف توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد.

در کشور ما اغلب عبارت «مالکیت فکری» و «مالکیت معنوی» را مترادف هم به کار می‌برند. اما عبارت مالکیت فکری صحیح‌تر و رساتر از مالکیت معنوی است، زیرا مالکیت فکری را در مقابل مالکیت عینی به‌کار می‌بریم. از طرفی بسیاری از صاحب‌نظران و نویسندگان به جای حق مالکیت فکری از «حق مؤلف» استفاده می‌کنند، اما در واقع حق مؤلف یا Copyright یکی از اشکال اصلی حق مالکیت فکری و ماندگارترین فرم از سایر فرم‌های آن به‌شمار می‌آید.

ایجاد «حق مؤلف» نیازمند ترتیبات رسمی نیست و یک اثر به محض تولید (نوشتن یا بیان) براساس حق مالکیت فکری محافظت می‌شود و پدیدآورندگان آن مشمول این حمایت‌ها می‌شوند. مشروط بر اینکه:

- اثر اصالت داشته باشد؛ یعنی دارای ابتکار و خلاقیت و در واقع تبلور شخصیت مؤلف باشد،

- از آثار دیگران - در زمان حال و گذشته - در خلق آن استفاده غیرمجاز نشده باشد،

- محسوس باشد یعنی از مرحله ذهنی گذشته و عینیت پیدا کرده باشد،

- در شکل و شمایل خاص قرار گرفته باشد مانند کتاب و ...

حق مؤلف دارای دو جنبه مادی و معنوی است. با وجود آنکه حفاظت از مالکیت فکری مطالبه‌ای جهانی بوده، اما تاکنون قوانین بین‌المللی یکسانی برای آن وضع نشده است، زیرا در بین دولت‌ها تلقی‌های متفاوتی از وجوه مختلف حفاظت از حقوق مالکیت فکری وجود داشته و حتی سبک استدلال‌ها برای تعیین این حقوق و دلایل ارائه شده برای آن متفاوت بوده است. با این حال اکثر کشورها دارای قانون ملی حق مؤلف هستند. از سوی دیگر تلاش‌های مستمر در جهت حفاظت جهانی از این حقوق چندان هم بی‌نتیجه نبوده است. انعقاد چند توافقنامه مهم بین‌المللی نتیجه تلاش و مبارزه همه کسانی بوده که سال‌ها از این حقوق حمایت می‌کردند.

عضویت کشورها در این معاهده‌ها اختیاری و بدون قید و شرط است و تشریفات ندارد و تنها براساس درخواست بالاترین مقام اجرایی کشور صورت می‌گیرد.

اما سیاست‌های اجرایی آن مانند شیوه‌های مدنی و یا شیوه‌های قضایی اعم از دادگاه‌ها، هیئت‌های حل اختلاف و... ممکن است متفاوت باشد.

برخی کشورها مانند ایران عضویت در این گونه معاهدات را منوط به تصویب مجلس قانونگذاری می‌کنند. همچنین برخی دیگر این قوانین را به قوانین ملی خود وارد می‌کنند و تعدادی دیگر به همان عضویت در معاهدات بین‌المللی اکتفا می‌کنند و به دلیل همین تعهدات آن را برای شهروندان خود هم لازم‌الاجرا می‌دانند. در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد دولت‌ها به یکی از دو معاهده اصلی بین‌المللی حق طبع و یا هر دوی آنها پیوسته‌اند. این دو موافقتنامه عبارتند از میثاق برن و معاهده ژنو.



• میثاق برن^۱

اولین موافقتنامه بین‌المللی برای حمایت از حق مؤلف است. این میثاق در سال ۱۸۸۶ میلادی در شهر برن سوئیس به امضا رسید و کشورهای عضو آن پذیرفتند حق قانونی مالکیت یک اثر را در تمام کشورها رعایت کنند. قبل از سال ۱۸۸۶ حقوق قانونی یک اثر در کشور خودش رعایت می‌شد، ولی نویسنده در خارج از کشورش فاقد چنین حقی بود.

پیمان برن تاکنون بارها مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. اصلاحات صورت گرفته در این معاهده نشان‌دهنده تغییرات در شیوه، مبنای، زمان و قلمرو حمایت از مؤلفان یا آثار آنها نسبت به اسناد قبلی است. از سال ۱۹۶۷ مدیریت اجرایی این میثاق‌نامه به‌عهده سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۲ قرار گرفته است. وایپو یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است. این سازمان می‌کوشد قوانین و مقررات ملی کشورها در مورد مالکیت فکری را هماهنگ و اطلاعات مربوط به مالکیت فکری را مبادله کند و کمک‌های فنی و حقوقی به کشورهای درحال توسعه و سایر کشورها بدهد.

در سال ۱۹۹۶ دو معاهده در سازمان جهانی مالکیت فکری به‌وجود آمد که هدف اصلی آن روزآمدسازی و تکمیل نسخه‌برداری و حقوق مرتبط با آن و همگامی با تغییر و تحولات فرهنگی اجتماعی و اقتصادی بوده است.

به باور دست‌اندرکاران این آژانس عملی شدن اهداف سازمانی آنها باعث - ایجاد خلاقیت و ترغیب و نوآوری و در نتیجه ایجاد توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

1. The Bern Convention
2. Wipo

همه کشورها خواهد شد. درحال حاضر ۱۸۴ کشور عضو این سازمان هستند.^۱ ایران نیز در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی به عضویت آن درآمد.

• معاهده ژنو یا میثاق جهانی حق مؤلف^۲

سال ۱۹۴۷ میلادی در دومین اجلاس کنفرانس عمومی سازمان یونسکو مقرر شد، به‌منظور تکمیل کنوانسیون‌های دیگر و جهان‌شمول کردن حمایت از حق مؤلف کنوانسیون جدیدی تأسیس شود.

به همین منظور موافقتنامه‌ای در سال ۱۹۵۲ در مقر سازمان ملل متحد در ژنو به امضای ۳۶ کشور رسید. به مرور زمان کشورهای دیگری نیز به عضویت این کنوانسیون درآمدند. در سال‌های بعد با انجام اصلاحات جدید و الحاق تعمیم‌نامه و اعلامیه الحاقی سعی شد از معارضه احتمالی میان این معاهده‌نامه و میثاق برن پرهیز شود و بین آنها همزیستی و هماهنگی برقرار گردد.

«در هر دو معاهده سعی شده حق مؤلف از تجاوز متعديان به حقوق مؤلفان مصون بماند و در همه کشورهای عضو مراعات شود».

البته میان برخی از مواد [این دو] تفاوت وجود دارد، برای مثال به‌موجب معاهده برن اثر پس از مرگ مؤلف به مدت ۵۰ سال مشمول حمایت قانونی است و به‌موجب معاهده ژنو به مدت ۲۵ سال».^۳

ترویج خلاقیت‌های فکری و تشویق تولید آثار فکری و حفاظت از مالکیت آنها از

۱. پورتال وزارت دادگستری، ۱۳۹۰.

2. Universal Copyright Convention (UCC)

۳. آذرنگ، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱.



دلایل ایجاد معاهده‌هایی چون «برن» و «ژنو» بوده است. ضمن آنکه تحقق این اهداف خواسته جامعه فرهنگی ایران نیز بوده و مباحث مربوط به عضویت در این موافقتنامه‌ها و مزایا و معایب آن همواره در مجامع علمی، رسمی و غیررسمی کشور مطرح بوده است. در حال حاضر مسئله اساسی در بخش تعهدات بین‌المللی، چگونگی مواجهه با معاهدات و میثاق‌نامه‌های جهانی و تأثیر پیوستن یا عدم پیوستن به این معاهدات بر صنعت نشر و مناسبات حاکم بر بخش‌های مؤثر در فرایند تولید کتاب است.

به دلیل اهمیت این موضوع، توجه به دلایل و نظرات موافقان و مخالفان عضویت یا عدم عضویت در سازمان‌های حمایت‌کننده از حقوق مالکیت فکری ضروری به‌نظر می‌رسد.

• استدلال‌های موافقان

عضویت در سازمان‌های حمایت‌کننده موجب خواهد شد:

- ارتقای سطح عملکرد صنعت نشر از طریق توانمندسازی نیروی انسانی و افزایش کارآیی و مدیریت فرایند نشر کتاب،
- تسهیل مشارکت ناشران فعال در پروژه‌های بزرگ مانند تدوین و نشر دایرةالمعارف‌ها یا فرهنگنامه‌های دوزبانه و...
- تقویت اقتصاد ملی از طریق فعال شدن صادرات کتاب،
- نظم بخشیدن به کار ترجمه آثار جدید به زبان فارسی و پرهیز از ترجمه‌های مکرر و اتلاف سرمایه ناشران،
- کسب اعتبار فرهنگی برای کشور و فعالان صنعت نشر،
- ادای احترام به پدیدآورندگان صاحب قریحه در سراسر جهان،

از سوی دیگر

- مبادلات فرهنگی و اقتصادی در سطح جهانی مستلزم پیوستن و عضویت در بسیاری از موافقتنامه‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌های مرتبط است. برای مثال یکی از شرایط عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، عضویت در میثاق‌نامه مربوط به «حق مالکیت فکری» است.

• استدلال‌های مخالفان

- تراز تجاری صادرات و واردات کتاب - و موارد مورد حمایت - برای ایران منفی است، بنابراین کشور بیش از آنکه از این بخش منافع اقتصادی داشته باشد باید مبالغ زیادی را صرف پرداخت حق امتیاز به ناشران خارجی کند که این مسئله تعهدات مالی جدید و سنگینی را ایجاد می‌کند. هزینه نشر کتاب افزایش و بنیة اقتصادی نشر ضعیف‌تر خواهد شد و از طرفی پیوستن به این سازمان‌ها مانع دسترسی رایگان و یا کم‌هزینه مخاطبان داخلی به آثار فکری سایر کشورها می‌شود.
- به دلیل هم‌سطح نبودن توان و بضاعت مالی و اعتباری ناشران داخلی و خارجی، همکاری بین آنها به ضرر ناشران داخلی تمام خواهد شد. این همکاری و تعامل شامل مراحل مذاکره، مکاتبات اداری معامله و مسائل پسینی نشر می‌باشد.
- در بین ناشران داخلی ابتکار عمل با ناشران بزرگ‌تر و از لحاظ بنیة مالی قوی‌تر و دارای توان سازمانی بالاتر خواهد بود.
- دایره شمول تعهدات بین‌المللی محدوده به حوزه نشر کتاب نیست و شامل روزنامه‌ها، مجلات، خبر، رسانه‌ها و... هم می‌شود. بنابراین تبعات پذیرش این



میثاق‌نامه‌ها محدود نخواهد بود.

لازم به ذکر است در سال ۱۳۷۶ تحقیقی توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت تا نتایج پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان‌های مزبور را از نظر تأثیر آن بر حقوق نسخه‌برداری به‌طور عام و حق مؤلف به‌طور خاص و مسائل نشر در ایران بررسی شود. نتایج بررسی‌های رسمی فوق نشان داد که در بلندمدت عضویت در این موافقتنامه‌ها به نفع کشور و به‌خصوص تولیدکنندگان آثار فکری است.^۱

ب) تعهدات ملی

اگرچه پیشینه وضع قوانین مرتبط با مالکیت فکری در ایران به سال ۱۳۰۴ هجری شمسی می‌رسد، اما اولین گام مؤثر جهت حمایت از حقوق مؤلف در سال ۱۳۴۸ با تصویب «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» برداشته شده است. در سال‌های بعد قوانین مرتبط دیگری نیز تصویب شد. اما هیچ‌کدام از آنها به اندازه قانون مصوب ۱۳۴۸^۲ اعتبار، جامعیت و اهمیت ندارند و تمام قوانین بعدی مکمل و مبتنی بر قانون فوق هستند.

- ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲،

- حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹،

- الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی

مالکیت معنوی مصوب ۱۳۸۰،

۱. خسروی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱۹.

۲. برای اطلاع از متن قانون به پیوست ۱ مراجعه کنید.

- تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲،

- جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸.

از بین قوانین مذکور دو قانون مصوب ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸ کیفی هستند و بیشتر از شناسایی حقوق ویژه، ضمانت اجرایی مؤثری برای حمایت از حقوق شناخته شده قبلی پیش‌بینی کرده‌اند.

با وجود تمام ویژگی‌ها و خصوصیات برجسته قوانینی که تاکنون به تصویب رسیده و به رغم آنکه از منظر فقهی و قانونی «حق مؤلف» در ایران مورد تأیید و حمایت قرار گرفته، اما تعدد قوانین، موارد مبهم یا مسکوت مانده در این خصوص، نیاز به بازنگری و یکپارچه کردن قوانین ملی را بیش از پیش ضروری ساخته است.

تهیه «پیش‌نویس قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط» مهمترین و منسجم‌ترین تلاش صورت گرفته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در این حوزه بوده است.

«دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور به‌عنوان نهادی تخصصی و سیاستگذار با استناد به بند «۲» و «۵» از وظایف قانونی خویش و با آگاهی از نقص قوانین فعلی و عدم وجود قانونی جامع در حوزه صیانت از مالکیت فکری درصدد جبران این خلأ برآمد».^۱

نسخه اول این پیش‌نویس بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در ۸۶ ماده آماده شد. نسخه دوم آن هم در ۱۸۰ ماده تدوین شده که حاصل تلاش کارگروه «نظام حقوقی و مالکیت فکری» دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی در

۱. شبیری، ۱۳۸۹، ص ۹.



سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ بوده است. برخی ویژگی‌های این پیش‌نویس عبارتند از:

- گسترش مصادیق آثار مورد حمایت،
- بسط حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان،
- توجه ویژه به قراردادهای نشر،
- پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی قوی مدنی، کیفری، اداری و گمرکی جهت جلوگیری از نقص حقوق پدیدآورندگان،
- انطباق کامل با مقررات بین‌المللی همچون تریپس^۱ که ایران درصدد الحاق به آن است.
- بومی‌سازی قانون با توجه به مبانی فقهی و حقوقی کشور.^۲
- با اینکه تمرکز این پیش‌نویس و حوزه اصلی کار آن مربوط به صنعت چاپ و نشر و حقوق مرتبط با آن نیست، اما به دلایل زیر جهت تدوین یک قانون جامع ملی و کارآمد در حوزه مالکیت فکری باید به آن توجه کرد و تلاش‌های صورت گرفته را ارج نهاد:
- اول - اولین فعالیت نسبتاً جامع مربوط به مالکیت معنوی بعد از انقلاب اسلامی است،
- دوم - توجه به شرایط بومی ایران و ملاحظات فقهی در تدوین آن،
- سوم - اختصاص یک بخش از پیش‌نویس به چاپ و نشر.
- با وجود تصویب چندین قانون و آیین‌نامه از سال ۱۳۴۸ تاکنون، میان ضرورت‌های مربوط به حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار و قواعد حقوقی جامعه تناسب و تعادل منطقی وجود ندارد و این مسئله اصلی به همراه «فقدان دیدگاه جامع‌نگر» در تدوین و تصویب قوانین، مسائل و مشکلات اساسی حوزه «حق مؤلف» در ایران هستند.

1. Trips

۲. شبیری، ۱۳۸۹، ص ۱۳.

موارد زیر اشاره به برخی مصادیق آن است:

- در قوانین فعلی به دلیل حاکم بودن «اصل سرزمینی بودن حق مالکیت فکری» برای اعمال قوانین مرتبط با حق مؤلف؛ «محدوده جغرافیایی» معیار شمول قانون است نه تابعیت، بنابراین قانون از آثاری که برای اولین بار در خارج از کشور منتشر یا اجرا شده باشند، حتی اگر پدیدآورندگان آنها شهروندان ایران باشند حمایت نمی‌کنند (ماده (۲۲)). درحالی که براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی اصل برابری اتباع کشورهای عضو با سایرین اعمال می‌شود.
- به دلیل تحولات رخ داده در عرصه‌های مختلف، امروزه موضوعات و مباحث جدیدی مطرح شده که خلأ قانونی در آنها به چشم می‌خورد.
- برای مثال یک ناشر نمی‌تواند به دلیل قرائت قسمت‌هایی از کتاب‌های خود در برنامه‌های تلویزیونی طرح شکایت کند این درحالی است که برای تولید هر دقیقه از این برنامه‌ها مبالغ قابل توجهی به تهیه‌کننده آن پرداخت می‌شود.
- از برخی مفاهیم تعریف دقیق و روشنی در قوانین وجود ندارد.
- مثلاً «حقوق نسخه‌برداری» حقوق عامی است که «حق مؤلف» بخشی از آن می‌شود، اما تقریباً در تمامی متون مربوط به «حقوق مالکیت فکری» و حتی در متون رسمی دو واژه «حق مؤلف» و «حق نسخه‌برداری» و جنبه‌های مختلف آن به اشتباه به جای هم به کار می‌روند و هنوز درک درستی از مفهوم و مصداق‌های آنها وجود ندارد.^۱
- استثناً قائل شدن برای برخی سازمان‌های دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش تا بتواند از بعضی کتاب‌های درسی استفاده کنند بدون آنکه به پدیدآورندگان

۱. خسروی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶۹.



آنها وجهی به عنوان حق التألیف یا حق الامتیاز پردازند (ماده (۱۰)).

- در جرائم مرتبط با حوزه مالکیت فکری و حق مؤلف، تنها دادگاه محل وقوع جرم، صالح برای رسیدگی است و تحت نظر یک دادرسی ویژه رسیدگی نمی‌شود. بنابراین این جرائم از جمله جرائمی هستند که تنها می‌توان در محل وقوع جرم به آنها رسیدگی کرد. درحالی که در جرائم مربوط به مالکیت صنعتی این‌گونه نیست و در سراسر کشور و تحت نظر یک دادرسی ویژه بررسی و رسیدگی می‌شود.

- در موارد تخلف از قانون حق مؤلف اقدام قانونی علیه متخلف یا متخلفان تنها در صورتی آغاز می‌شود که شکایتی از طرف شاکی خصوصی به مقامات قضایی تسلیم گردد. بنابراین دادستان به‌عنوان نماینده مدعی‌العموم نمی‌تواند رأساً طرح شکایت کند. جرائم مربوط به «حق مؤلف» جزء جرائم قابل گذشت هستند و هرگاه شاکی یا شاکیان رضایت بدهند پرونده بلافاصله مختومه اعلام می‌شود.

- در ماده (۲۲) قانون صرفاً شرط نخستین اجرا یا انتشار در ایران مورد توجه قرار گرفته نه ایجاد و خلق یک اثر، درحالی که ایجاد یا خلق اثر با انتشار یا اجرای آن متفاوت است و همانطور که در اغلب کشورهای عضو معاهدات بین‌المللی رعایت می‌شود، اثر می‌باید به محض خلق و تولید مشمول حمایت‌های قانونی قرار گیرد.

عدم رعایت «حقوق مالکیت فکری» و نابسامانی در وضعیت نشر ایران معضلی نیست که بتوان آن را پنهان یا انکار کرد، اما واکنش صاحب‌نظران، کارشناسان و فعالان حوزه نشر کتاب در این خصوص یکسان نیست؛ عده‌ای منشأ مشکلات را به عدم اجرا یا شیوه نادرست اجرای قوانین نسبت می‌دهند و قوانین و مقررات فعلی را کافی، «پیشرو، مترقی و

مهم»^۱ می‌دانند و معتقدند با همین قوانین می‌توان مسائل و مشکلات حقوقی مؤلفین را برطرف کرد، «قانون حمایت از حقوق مؤلفان سال ۱۳۴۸ در مقایسه با قانون بسیاری از کشورها» قانونی است که بسیار خوب تدوین و تنظیم شده، پاسخگوی نیازهاست. اما همین قانون خوب و روشن مشکلات اجرایی دارد، زیرا اجرای درست آن به تشخیص و تصمیم درست نیازمند است و این کار از عهده قضات همه محاکم ساخته نیست.^۲

برخی هم مشکل را در درجه اول متوجه نوع قوانین و مقررات فعلی می‌دانند و مبهم بودن، روزآمد نبودن، مسکوت ماندن و عدم جامعیت را از مختصات آن برمی‌شمارند. به باور این عده قوانینی با چنین ویژگی‌هایی در عرصه اجرا هم موفق نخواهد بود.

«در قوانین تدوین شده سال‌های گذشته نسبت به بسیاری از حوزه‌ها تعیین تکلیف نشده و قوانین بسیار قدیمی و کهنه است».^۳

«این قوانین از جمله پیچیده‌ترین و ناکارآمدترین قوانین موجود است که دست برخی ناشران را برای تعدی به حقوق مؤلفان و ناشران دیگر باز می‌گذارد. بر همین بنیان برخی از ناشرانی که آشنایی با قانون دارند و راه‌های گریز از آن را می‌دانند، با استفاده از همین مفرها به سودهای کلانی دست می‌یابند».^۴

فراتر از اینکه بخواهیم درست بودن یا نبودن نظرات مطرح شده را ارزیابی و یا آنها را ارزشگذاری کنیم، به مسئله «فقدان دیدگاه جامع‌نگر» که پیش‌تر به آن اشاره

۱. پهلوان، ۱۳۶۶، ص ۳۲۰.

۲. آذرنگ، ۱۳۷۸، ص ۴۶.

۳. سیدحسین شبیری، دبیر کارگروه نظام حقوقی و مالکیت فکری، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، در گزارش

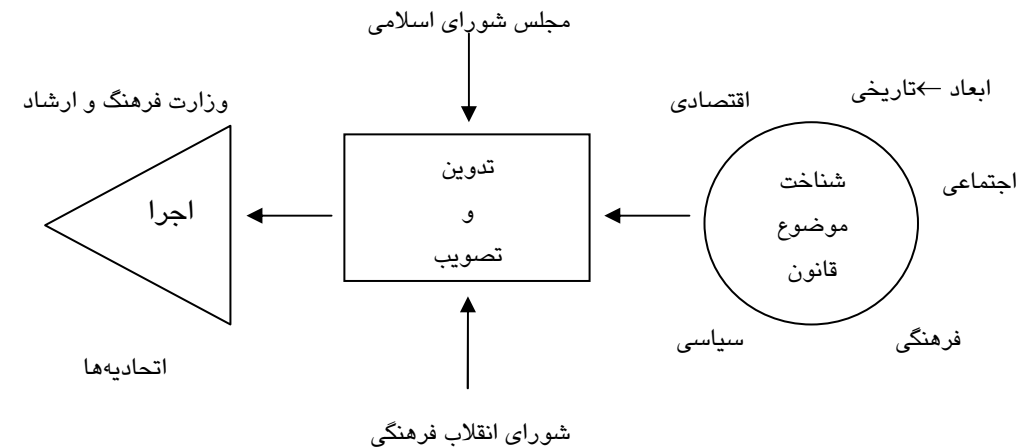
نشست تخصصی تدوین پیش‌نویس قانون جامع کپی‌رایت، همشهری ۱۳۸۹/۶/۱۷.

۴. سیدابوالحسن مختاباد، اتفاق تازه در زمینه کپی‌رایت، همشهری ۱۳۸۵/۵/۲۴.



شد می‌پردازیم: مهمترین و برجسته‌ترین ویژگی این دیدگاه، اتخاذ نوع رویکردی است که در مواجهه با فرایند قانونگذاری و اجرای آن دارد. رویکردی جامع‌نگر و فرایندی که تا حد ممکن زوایا و نکات اساسی را مد نظر قرار می‌دهد و پرداخت و توجه به «حقوق مؤلف» را فرایندی سه مرحله‌ای در نظر می‌گیرد که از شناخت ابعاد مختلف موضوع قانون آغاز و با شیوه‌های اجرا و توجه به بازخوردهای آن خاتمه می‌یابد. همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص شده تدوین و تصویب قانون تنها بخشی از فرایند است.

نمودار ۲. فرایند سه مرحله‌ای تدوین و تصویب قوانین



• شناخت موضوع قانون

مشکل یا مسئله «حق مؤلف» از همین مرحله آغاز می‌شود، مرحله‌ای که کمتر به ابعاد و اهمیت آن توجه می‌شود، زیرا «حقوق مالکیت فکری» قبل از آنکه مسئله‌ای صرفاً حقوقی و نیازمند به وضع یا اصلاح قانون داشته باشد، مسئله‌ای اجتماعی است در

این‌صورت با پدیده‌های چندوجهی و با ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبرو هستیم.

• تدوین و تصویب قانون

این مرحله نقطه ثقل فرایند قانونگذاری است و قانونگذار باید از یک‌سو با مشارکت و همکاری مراکز پژوهشی و تحقیقاتی داده‌ها، اطلاعات، تحلیل‌ها و ارزیابی‌های انجام شده در مرحله قبل را بررسی و تجزیه و تحلیل کند و به شناخت کافی و جامع از ابعاد و زوایای موضوع قانون دست پیدا کند و از طرفی قوانین مرتبط را به‌گونه‌ای تصویب کند که مجریان در عمل با کمترین مشکل روبرو شوند.

- مبنای وضع قوانین و قواعد حقوقی متناسب بودن با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه باشد این مهم با دسترسی به اطلاعات به‌روز، تحلیل‌ها و تشخیص‌های درست و به‌موقع امکانپذیر است.

- توجه ویژه به تحولات رخ داده مرتبط با «حقوق مالکیت فکری» و موضوعات و مباحث جدید.

- تا حد امکان با شرایط جهان پیرامون به‌خصوص میثاق‌نامه‌های جهانی هماهنگ باشد،

- مداخله ابزارهای حاکمیتی به نفع منافع صنعت نشر،

- قوانین مصوب باید صریح، روشن و بدون ابهام باشد و هماهنگ با سایر

قوانین تعریف شود،

- رعایت شأن و منزلت اجتماعی پدیدآورندگان به‌عنوان مهمترین گروه هدف قانونگذار،

- قوانین ملی حمایت از حقوق پدیدآورندگان در نهایت باید زمینه و بستر مناسب

برای فعالیت‌های فرهنگی و فکری فضای امن و مطمئن ایجاد کند.



• اجرای قانون

اجرای قانون از شناخت موضوع قانون، تدوین و تصویب آن جدا نیست. قانونی قابلیت اجرایی نداشته باشد، گویی هرگز تصویب نشده، به همین دلیل لحاظ کردن ضمانت‌های اجرایی مؤثر و وجود سازوکارهای نظارت و کنترل مستمر جهت اصلاح و تکمیل قانون می‌تواند اهداف قانونگذار را تأمین کند.

ج) تعهدات صنفی

وقتی می‌توان از تعهدات مؤلف و صنف مربوطه سخن گفت که انجمن، اتحادیه و یا کانون سراسری مؤثر و کارآمد به شکل مستمر وجود داشته باشد مهمترین مسئله و مشکل در این بخش «فقدان کانون‌ها، اتحادیه‌ها و سندیکاهای قدرتمند و گسترده سراسری» است. طبق روال مرسوم کشورهای که در صنعت چاپ و نشر حرفی برای گفتن دارند، نویسندگی و تألیف «شغل» محسوب می‌شود و مؤلف دارای جایگاه شغلی مشخص است. عضویت در یک یا چند انجمن، کانون و یا اتحادیه و پیوستن به سندیکاهای سراسری، ابتدایی‌ترین شاخص این جایگاه محسوب می‌شود.

رابطه «شغل» و سندیکا یا اتحادیه یک رابطه وثیق است. برای مثال می‌توان به سازمان‌هایی نظیر نظام پزشکی یا نظام مهندسی اشاره کرد. وقتی پزشک به عنوان یک شغل در جامعه شناخته شد، پزشکان یک قشر یا یک صنف را تشکیل خواهند داد که منافع ویژه‌ای دارد و مسائلی آنها را تهدید می‌کند. از این رو صنف مورد نظر با تشکیل سازمانی از منافع آن صنف دفاع و سازوکارهایی برای دفع تهدیدات پیش‌بینی می‌کند. این سازمان‌ها غیر از موارد فوق امکان نظارت درون صنفی و دفاع از حریم شغلی را فراهم می‌آورند. به دلیل تعریف نشدن مؤلفه به عنوان یک «شغل» عملاً امکان

تشکیل یک اتحادیه که از حقوق مؤلفان دفاع کند منتفی شده است.

در حالی که به دلیل جایگاهی که این اتحادیه‌ها و سندیکاها در ساختار اداری و نظام فرهنگی دارند، با عضویت فعال و تعامل قاعده‌مند مؤلف با آنها بسیاری از مشکلات و مسائل حوزه چاپ و نشر و «حقوق مؤلف» برطرف می‌شود.

این تشکله‌ها به دلیل نقش و جایگاهی ویژه دارای کارکردهای چندگانه می‌باشد:

- تلاش در راه «استقرار و تحکیم اخلاق حرفه‌ای در حوزه حق مؤلف»^۱
- فراهم آوردن زمینه برای ایجاد امنیت شغلی،
- تسهیل نظارت بر پروسه تألیف،
- دفاع از حقوق مؤلف،
- اعتبارسنجی آثار تألیفی و معرفی به ناشران،
- مشارکت در اصلاح و تکمیل قوانین حق مؤلف و تسهیل نقش آفرینی در سیاستگذاری‌های مرتبط،
- اجرای بسیاری از قوانین مصوب (به‌عنوان بازوی اجرایی).

۳. مؤلف و خاستگاه اجتماعی

از آنجایی که بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر تولید، انباشت و نشر دانش موضوعی جامعه‌شناختی است می‌توان این پیش فرض اولیه را مطرح کرد که «کتاب» به‌عنوان مهمترین و مؤثرترین ابزار ارائه دانش به جامعه، قبل از آنکه کالایی فرهنگی و یا اقتصادی باشد، محصولی اجتماعی است.

۱. شفیع شکیب، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹.



بنابراین مطالعه جایگاه و خاستگاه اجتماعی مؤلف و شرایط اجتماعی شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های بیان شده او قابل مطالعه و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع آگاهی دقیق از شرایط اجتماعی حاکم بر تألیف کمک فراوانی به اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت حل و رفع مشکلات و مؤلفان می‌کند.

دانستن آمار و اطلاعات کمی از مؤلفین می‌تواند آغازی بر این مهم باشد. در حالی که در ایران، آمار رسمی دقیق و علمی از تعداد مؤلفین، مصنفین و مترجمین کشور وجود ندارد گرچه براساس بعضی برآوردها می‌توان آن را حدود ۲۵۰۰ نفر حدس زد.^۱

۴. مؤلف و مخاطب

مبحث مخاطب به‌عنوان یکی از چهار رکن اصلی فرایند صنعت نشر کتاب در جای خود و به تفصیل بررسی خواهد شد.

آنچه در اینجا مد نظر است نوع تعامل میان مؤلف و مخاطب است. در اینکه حیات و دوام اجتماعی نویسنده به واسطه داشتن مخاطب است، شکی نیست. اثری که پدیدآورنده بعد از مدتها خلق کرده، اگر دیده و خوانده نشود زحماتش بی‌ثمر می‌ماند.

بازخورد نظرات مخاطب است که بیشترین انگیزه و انرژی و امکان ادامه و اصلاح اثر را به مؤلف می‌دهد. برقراری تعامل میان این دو و آگاهی از نظرات یکدیگر در مجموع باعث غنای فرهنگی و رشد و توسعه جامعه می‌شود.

در حال حاضر زمینه و بستری نظام‌مند و سیستماتیک وجود ندارد تا مؤلف و مخاطب بتوانند با هم تعامل سازنده داشته باشد و از نقطه نظرات هم آگاه شوند.

بنابراین «مسئله اصلی مؤلف و مخاطب، فقدان رابطه ارگانیک و مستمر است» به‌طوری که مؤلفین معمولاً نمی‌دانند و یا نمی‌توانند دقیقاً بازخورد اثرشان بین مخاطبین در چه حد و چگونه بوده است و داده‌هایی که به‌دست آورده‌اند براساس تجربه‌های قبلی حدس و گمان و یا شیوه‌های سنتی است.

البته منتقدین آثار مؤلفان از قاعده فوق تا حد زیادی مستثنا هستند این گروه معمولاً فرصت و امکان نقد و بررسی اثر مؤلف را پیدا می‌کنند. این امکان از طریق ابزارهای رسانه‌ای، نشست‌های تخصصی و جلسات رونمایی از کتاب فراهم می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

لازمه بررسی مسائل و چالش‌های حوزه نشر کتاب، ابتدا شناسایی مسائل و مشکلات مرتبط با «مؤلف» در فرایند نشر و نوع تعامل آن با سایر بخش‌ها و حوزه‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی است.

مؤلف به‌عنوان یک شخصیت حقوقی و به واسطه عرضه اثری که خلق می‌کند ناگزیر باید با چهار مقوله مرتبط باشد. نشر، تعهدات، خاستگاه اجتماعی و مخاطب. بخش مؤلف و نشر خود از چهار الگوی غالب تبعیت می‌کند.

از میان این ۴ الگو، الگوی «معمار کتاب» دارای کمترین آسیب و مشکل است و یکی از نقاط قوت نشر کتاب و نشان بلوغ و اوج حرفه‌ایی شدن یک ناشر می‌باشد. سه الگوی باقی مانده هر کدام مسائل خاص خود را دارند.

۱. در الگوی سنتی ناشر و مؤلف، مهمترین مسئله «عدم رعایت حقوق یکسان



برای تمام نویسندگان و مترجمین از طرف ناشران» است.

۲. در الگوی ناشر - مؤلف، به دلیل آنکه مؤلف معمولاً تخصصی در زمینه نشر ندارد و با برخورداری بودن از فاکتور اساسی منابع مالی برای چاپ و انتشار اثر خود، عملاً مدیریت نشر را برعهده می‌گیرد و تا حدودی دو آسیب را متوجه حوزه نشر می‌کند:

- مخدوش شدن اصل تقسیم وظایف براساس تخصص‌ها و توانایی‌های افراد.
- امکان انتشار آثار فاقد استاندارد و بعضاً سخیف.

۳. در الگوی «خودناشری» با وجود داشتن نقاط قوت قابل توجه، اما به دلیل خلأهای قانونی در مورد این شیوه، امکان نظارت مؤثر بر چاپ و نشر آثار وجود ندارد. دومین مقوله‌ای که مؤلف با آن در ارتباط قرار می‌گیرد، مسئله تعهدات است که دارای سه سطح است؛ تعهدات بین‌المللی، تعهدات ملی و تعهدات صنفی.

- مسئله اساسی در بخش تعهدات بین‌المللی، چگونگی مواجهه با معاهدات و میثاق‌نامه‌های جهانی و تأثیرات پیوستن یا عدم پیوستن به این معاهدات بر صنعت نشر و مناسبات حاکم بر بخش‌های مؤثر در فرایند تولید کتاب می‌باشد.

توجه به این مسئله به دلیل تبعات فراصنعتی و فرابخشی که دارد همواره مورد نظر صاحب‌نظران و کارشناسان بوده و ایشان درخصوص پیوستن یا نپیوستن به این معاهدات و نوع مواجهه با آنها دیدگاه‌های متنوعی داشته‌اند.

- در بخش تعهدات ملی مهمترین مشکل عدم تناسب و تعادل منطقی میان قواعد حقوقی جامعه و ضرورت‌های مربوط به حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار می‌باشد.

این مشکل در کنار «فقدان دیدگاه جامع‌نگر» در تدوین و تصویب قوانین مرتبط دو مسئله اصلی بخش تعهدات ملی است.

۴. به دلیل جایگاه مهم و تأثیرگذاری که اتحادیه‌ها و سندیکاها سراسری در کاهش مشکلات مؤلفین و مصنفین دارند به آسانی می‌توان دریافت عدم وجود چنین سازمان‌هایی مهمترین دغدغه پدیدآورندگان آثار در ایران می‌باشد.

در مورد رابطه مؤلف با خاستگاه اجتماعی و جامعه مخاطب دو مسئله زیر مطرح است:

۱. آگاهی دقیق از شرایط اجتماعی حاکم بر تألیف یک اثر، کمک زیادی به اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت حل و رفع مشکلات مؤلفان می‌کند.
۲. فقدان رابطه ارگانیک و مستمر بین مخاطب و صاحب اثر مسئله‌محوری بخش مؤلف و مخاطب می‌باشد.



پیوست قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

فصل یکم - تعاریف (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱)

ماده (۱)

از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.

ماده (۲)

اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است:

۱. کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری.
۲. شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۳. اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۴. اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد.
۵. نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد.
۶. هرگونه پیکره (مجسمه).

۷. اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان.

۸. اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد.

۹. اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالبی و گلیم.

۱۰. اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنری ملی

پدید آمده باشد.

۱۱. اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد.

۱۲. هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این

فصل پدید آمده باشد.

فصل دوم - حقوق پدیدآورنده

ماده (۳)

حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.

ماده (۴)

حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است.

ماده (۵)

پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را

در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید:



۱. تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.

۲. نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایش‌های دیگر.

۳. ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر.

۴. پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.

۵. ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و

کلیشه و قالب‌ریزی و مانند آن.

۶. استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.

۷. به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدیدآوردن اثرهای دیگری که در ماده (۲) این

قانون درج شده است.

ماده (۶)

اثر که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است.

ماده (۷)

نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها با مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف مجاز است. تبصره - ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که برای تدریس در مؤسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد.

ماده (۸)

کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند می‌توانند طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکسبرداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه‌برداری کنند.

ماده (۹)

وزارت اطلاعات می‌تواند آثاری را که قبل از تصویب این قانون پخش کرده و یا انتشار داده است پس از تصویب این قانون نیز کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده (۱۰)

وزارت آموزش و پرورش می‌تواند کتاب‌های درسی را که قبل از تصویب این قانون به موجب قانون کتاب‌های درسی چاپ و منتشر کرده است کماکان مورد استفاده قرار دهد.

ماده (۱۱)

نسخه‌برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند «۱» از ماده (۲) و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجاز است.



فصل سوم - مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگر

ماده (۱۲)

مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت.

تبصره - مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده (۶) این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

ماده (۱۳)

حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش‌دهنده است مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

تبصره - پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می‌گیرد متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.

ماده (۱۴)

انتقال گیرنده حق پدیدآورنده می‌تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند، مگر اینکه برای مدت کمتر توافق شده باشد.

ماده (۱۵)

در مورد مواد (۱۳) و (۱۴) پس از انقضای مدت‌های مندرج در آن مواد استفاده از حق مذکور در صورت حیات پدیدآورنده متعلق به خود او در غیر این صورت تابع ترتیب مقرر در ماده (۱۲) خواهد بود.

ماده (۱۶)

در موارد زیر حقوق مادی پدیدآورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود:

۱. اثرهای سینمایی یا عکاسی.

۲. هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد و یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد.

ماده (۱۷)

نام و عنوان و نشانه ویژه‌ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند به کار برد.

ماده (۱۸)

انتقال‌گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر



همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

ماده (۱۹)

هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.

ماده (۲۰)

چاپخانه‌ها و بنگاه‌های ضبط صوت و کارگاه‌ها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا بخش یا ضبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می‌پردازد باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه‌هایی که پخش می‌شود با ذکر تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نمایند.

ماده (۲۱)

پدیدآورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکز وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار آگهی می‌نماید به ثبت برسانند. آیین‌نامه چگونگی و ترتیب انجام یافتن تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرفتن درخواست ثبت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده (۲۲)

حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

فصل چهارم - تخلفات و مجازات‌ها

ماده (۲۳)

هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالملاً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

ماده (۲۴)

هرکس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

ماده (۲۵)

متخلفین از مواد (۱۷)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این قانون به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد.

**ماده (۲۶)**

نسبت به متخلفان از مواد (۱۷)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است. وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت.

ماده (۲۷)

شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود.

ماده (۲۸)

هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود.

ماده (۲۹)

مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند.

ماده (۳۰)

اثرهایی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است اشخاصی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره‌برداری کرده‌اند حق نشر یا اجرا یا پخش یا تکثیر یا ارائه مجدد یا فروش آن آثار را ندارند مگر به اجازه پدیدآورنده یا قائم مقام او با رعایت این قانون. متخلفین از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به چاپ رسانند یا ضبط یا تکثیر یا از آن بهره‌برداری کنند به کیفر مقرر در ماده (۲۳) محکوم خواهند شد.

دعاوی و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده به اعتبار خود باقی است.

ماده (۳۱)

تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می‌شود.

ماده (۳۲)

مواد (۲۴۵)، (۲۴۶)، (۲۴۷) و (۲۴۸) قانون مجازات عمومی ملغی است.



آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت فرهنگ و هنر و وزارت دادگستری و وزارت اطلاعات تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر ۳۳ ماده و ۳ تبصره پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ دوشنبه سوم آذرماه ۱۳۴۸ در جلسه روز پنجشنبه یازده دی‌ماه یکهزار و سیصد و چهل و هشت شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالله ریاضی

منابع و مأخذ

۱. آذرنگ، عبدالحسین. آشنایی با چاپ و نشر، تهران، سمت، ۱۳۷۵.
۲. آذرنگ، عبدالحسین. شمه‌ای از انتشار کتاب در ایران، تهران، نشر کتاب‌دار، ۱۳۷۸.
۳. آذرنگ، عبدالحسین. چون و چرایی در باب سیاست‌های نشر کتاب، تهران، نشر کتاب‌دار، ۱۳۸۰.
۴. آذرنگ، عبدالحسین. در قلمرو دانش، ویرایش و دانشنامه‌نگاری، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲.
۵. پورجوادی، نصرالله. برگزیده مقاله‌های نشر دانش، درباره نشر کتاب و حق مؤلف، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
۶. پورممتاز، علیرضا. فرهنگ کتاب، تهران، سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
۷. پهلوان، چنگیز. کتاب نمای ایران، تهران، نشر قو، ۱۳۶۶.
۸. حری، عباس. دایرةالمعارف کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۹. خسروی، فریبرز. دایرةالمعارف کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵.
۱۰. شبیری، سیدحسن. پیش‌نویس لایحه قانون جامع حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق

مرتبط، تهران، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۹.

۱۱. شفیعی‌شکیب، مرتضی. سخنرانی‌ها و مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۱.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۲۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی وضعیت نشر کتاب در ایران ۱. مؤلف

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه ارشاد)

تهیه و تدوین: علی عقیقی

همکار: محسن داوری

مدیر مطالعه: سیدعلی کشفی

ناظر علمی: سینا کلهر

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. کتاب

۲. نشر

۳. مؤلف

۴. تعهدات

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۱۴